

The Legal Feasibility of Prosecuting American Authorities Imposing Sanctions against the Islamic Republic of Iran in the International Criminal Court

Azam Amini*
Vahid Bazzar**

Abstract

Sanctions imposed by the US against Iran have had disastrous implications for the Iranian population and this requires the responsibility of those who imposed such sanctions. ICC as the only permanent court, which investigates the criminal responsibility of individuals, would be the most appropriate international forum for prosecuting American authorities imposing sanctions against Iran. According to jurisdictional limitations for Iran and the US as states not parties to the ICC Statute, the only way for Iran to resort to the Court is to accept jurisdiction of the Court concerning the crime in question under article 12(3) of Rome Statute through a declaration. Although sanctions are not considered by themselves as crime, implications of which could be categorized under the category of crimes against humanity including extermination, persecution, and other inhumane acts of a similar character. Notwithstanding, Iran may be prevented from the possibility of the exercise of the jurisdiction by the court against Iranian officials by excluding the court jurisdiction in its declaration to investigating the situation in question i.e. sanctions.

Key Words: International Criminal Court, Islamic Republic of Iran, United States of America, Sanction, Crimes against Humanity.

* Assistant professor, Law and Political Science of Ferdowsi, Mashhad (amini.az@ferdowsi.um.ac.ir)

** Responsible Author, P.H.D of International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University (vahidbazzar@gmail.com)

امکان سنجی حقوقی تعقیب مقامات آمریکایی وضع‌کننده تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران در دیوان بین‌المللی کیفری

اعظم امینی*

وحید بذّار**

چکیده

تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پیامدهای فاجعه‌باری بر مردم ایران داشته است که این امر، موضوع مسئولیت‌واضعان این تحریم‌ها را مطرح می‌کند. دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان تنها دادگاه دائمی که به مسئولیت کیفری افراد رسیدگی می‌کند، مناسب‌ترین مرجع بین‌المللی برای تعقیب کیفری مقامات آمریکایی وضع‌کننده تحریم علیه ایران است. با توجه به محدودیت‌های صلاحیتی که به واسطه عدم عضویت دولت‌های ایران و آمریکا برای دیوان وجود دارد، تنها گزینه توسل ایران به دیوان این است که این دولت با صدور اعلامیه‌ای بر اساس ماده ۱۲ (۳) اساسنامه دیوان، صلاحیت موردی دیوان را بپذیرد. علی‌رغم این که تحریم‌ها ذاتاً جرم قلمداد نمی‌شوند، پیامدهای آن را می‌توان ذیل برخی مصادیق جنایت علیه بشریت از جمله «نابودسازی»، «آزار و اذیت» و «سایر اعمال انسانی» دسته‌بندی کرد. بهرحال، مراجعه ایران به دیوان می‌تواند امکان اعمال صلاحیت دیوان نسبت به اقدامات اتباع مقامات ایرانی را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: دیوان بین‌المللی کیفری، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، تحریم،

جنایت علیه بشریت

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (amini.az@ferdowsi.um.ac.ir).

** نویسنده مسئول، دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (vahidbazzar@gmail.com).

مقدمه

ایالات متحده آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (هشتم مه ۲۰۱۸) از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) خارج شد و متعاقب آن دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (آفک)^۱ وزارت خزانه داری این کشور اعلام کرد تحریم‌هایی که به واسطهٔ برجام، تعلیق شده یا اجراء آن‌ها متوقف شده است، طی دو مرحلهٔ ۹۰ روزه و ۱۸۰ روزه مجدداً اعمال خواهند شد. بدین ترتیب برخی از تحریم‌ها که به طور خاص مربوط به مبادلات مالی، تجارت فلزات، خودروسازی، واردات فرش و مواد غذایی از ایران و صادرات هواپیمای مسافربری و قطعات آن به ایران بود، ظرف ۹۰ روز و سایر تحریم‌ها مانند کشتی‌رانی، بیمه و بانک مرکزی پس از ۱۸۰ روز از هشتم مه بطور کامل بازگشته است. این تحریم‌ها که آسیب‌های گسترده‌ای در حوزه‌های غذا، بهداشت، سلامت و درمان به افراد وارد می‌کنند، این قابلیت را دارند تا بهره‌مندی از حق‌های بنیادین بشری از جمله حق بر بهداشت، حق بر غذا، حق بر دسترسی به درمان و دارو، حق بهره‌مندی از استاندارد زندگی مطلوب و حق حیات را نقض کنند.

حدود دو ماه پس از بازاعمال تحریم‌ها، دولت ایران دعوی‌ای را علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمود که در حال حاضر، تحت رسیدگی دیوان قرار دارد.^۲ از جمله راهکارهای حقوقی دیگری که در خصوص پیگیری پیامدهای تحریم‌های آمریکا برای دولت ایران قابل استفاده است، تعقیب کیفری مقامات آمریکایی وضع‌کنندهٔ تحریم‌های مورد بحث نزد دیوان بین‌المللی کیفری (دیوان) می‌باشد.^۳ امکان سنجی حقوقی تعقیب کیفری واضعان آمریکایی تحریم علیه ایران موضوع این نوشتار را تشکیل می‌دهد، با این توضیح که دعوای مطروح ایران علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه موسوم به «نقض عهدنامهٔ مودت» که بدنبال اثبات مسئولیت بین‌المللی آمریکاست، هیچ محدودیتی برای طرح مسئولیت کیفری مقامات آمریکایی به واسطهٔ همان تحریم‌ها ایجاد نمی‌کند. چراکه مطابق اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری (ماده ۲۵(۴)) و طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (ماده ۵۸)، مسئولیت بین‌المللی دولت مانع تعقیب کیفری افراد به واسطهٔ همان عمل نخواهد شد و تعقیب کیفری افراد نیز مانع

۱. Office of Foreign Assets Control (OFAC).

۲. دولت ایران در ۲۵ تیر ۱۳۹۷ (۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸) با این ادعا که برگرداندن تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا که در پی خروج این دولت از برجام انجام شد، عهدنامهٔ مودت ایران-آمریکا را نقض کرده است، دادخواستی علیه این کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رساند و بطور همزمان از دیوان درخواست نمود تا دستور موقتی را با مضمون توقف و تعلیق فوری تحریم‌های مزبور صادر نماید. دیوان در کمتر از سه ماه پس از درخواست به اتفاق آراء قضات خود به درخواست ایران پاسخ مثبت داد و با صدور دستور موقت، آمریکا را ملزم نمود تا تمهیدات لازم را در خصوص صادرات آزاد به ایران در خصوص نیازهای انسان دوستانه از جمله دارو و لوازم پزشکی و بهداشتی، محصولات کشاورزی و غذایی و قطعات یدکی و تجهیزات ضروری و خدمات برای ایمنی هواپیمایی کشوری اتخاذ کرده و هیچ‌گونه محدودیتی در مسیر پرداخت‌ها و انتقال وجوه مربوط به این اقدام‌ها ایجاد ننماید. (Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018) این پرونده هم اکنون در مرحلهٔ رسیدگی صلاحیتی است (محبی، محسن و بذار، وحید. «ارزیابی ایرادهای آمریکا در مورد دستور موقت در قضیهٔ نقض‌های ادعایی عهدنامهٔ مودت»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۹، دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۲۵۸-۲۵۶)

۳. در حقوق بین‌الملل کنونی، مسئولیت کیفری دولت قابل تصور نیست و این امر که در ماده ۱۹ طرح سابق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها درج شده بود در طرح نهایی آن در سال ۲۰۰۱ مورد پذیرش قرار نگرفت.

مسئولیت بین المللی دولت در قبال همان عمل نخواهد بود.^۴ به عبارت دقیق تر در این خصوص تقارن مسئولیت مصداق پیدا می کند. این مقاله از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، به بررسی این مسئله پرداخته خواهد شد که اقدام مقامات آمریکایی در وضع تحریم ها مصداق کدام یک از جنایات تحت صلاحیت دیوان می تواند تلقی شود. در بخش دوم نیز این مسئله مورد بررسی قرار می گیرد که دولت ایران چگونه می تواند پیامدهای فاجعه بار ناشی از تحریم ها را تحت صلاحیت و رسیدگی دیوان قرار دهد.

۱. جرایم ارتكابی تحت اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به واسطه اعمال تحریم ها

تحریم ها ذاتاً جرم قلمداد نمی شوند، اما می توان پیامدهای ناگوار آن بر افراد را ذیل برخی مصادیق جنایت علیه بشریت از جمله «نابودسازی»^۵، «آزار و اذیت»^۶ و «اعمال غیرانسانی»^۷ دسته بندی کرد.^۸ تحریم ها با تأثیر منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی باعث کاهش بازدهی اقتصادی و خدمات و ایجاد بی نظمی و شکاف اجتماعی گردیده و در مجموع، سطح زندگی و معیشت مردم را تنزل داده و آن ها را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی محروم می کنند؛ همچنین، تحریم ها بر حق بر سلامتی و بهداشت افراد به شدت خلل وارد می کنند.^۹ تحریم ها سبب کندی ورود داروها و تجهیزات پزشکی و افزایش قیمت آن ها، ورود داروهای تقلبی و بی کیفیت و مانع ورود برخی داروهای خاص می شوند و همچنین، به واسطه تحریم های ثانویه، شرکت های خارجی از فروش مواد اولیه داروها به شرکت های داروسازی ایرانی خودداری می کنند.^{۱۰} حتی در موارد تمایل شرکت ها به فروش داروها، تجهیزات پزشکی و مواد اولیه آن ها نیز محدودیت های مربوط به مبادلات بانکی مانع انجام این انتقال می شود. در واقع، ممکن است که بظاهر هدف اولیه تحریم ها، دولت ایران _ نه مردم بعنوان غیرنظامیان _ بوده باشد. اما، اثرات مخرب آن ها بصورت ملموس در زندگی مردم عادی قابل مشاهده است، بطوری که می توان هدف اولیه آن ها را جمعیت غیرنظامی ایرانی دانست. آثار و پیامدهای ناگوار ناشی از تحریم ها مورد تأیید مراجع بین المللی از جمله نهادهای بین المللی حقوق بشری نیز قرار گرفته است. شورای حقوق بشر سازمان ملل در قطعنامه مورخ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ خود تحت عنوان «حقوق بشر و اقدامات قهری یکجانبه» خاطر نشان می کند که اقدامات و قوانین یکجانبه مغایر حقوق بین الملل، حقوق بین الملل بشردوستانه،

^۴ . نژندی منش، هیبت الله و بذآر، وحید. «امکان سنجی اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به استفاده از سلاح هسته ای»، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، ۱۳۹۷ دوره ۹، شماره ۳۶، ص ۱۶۱.

^۵ . Extermination.

^۶ . Persecution.

^۷ . Inhumane Acts.

^۸ . Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 7 (2) (h),(k).

^۹ . باغبان، اسماعیل و پورقهرمانی، بابک. «تحریم ها علیه ایران به مثابه ی جنایت علیه بشریت»، مجله پژوهش های انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، شماره ۱۷، ص ۴۵-۴۶.

^{۱۰} . آل کجیاف، حسین و انصاریان، مجتبی. «تأثیر تحریم های یکجانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی»، مجله حقوق پزشکی، ۱۳۹۳، سال ۸، شماره ۲۹، ص ۳۷.

منشور ملل متحد و اصول حاکم بر روابط مسالمت آمیز میان دولت ها می باشد و از تمامی دولت ها می خواهد تا اتخاذ و اجراء اقدامات زورمدارانه بویژه اقداماتی که تأثیرات فراسرزمینی دارند را متوقف کنند.^{۱۱} شورا با اذعان به این که اقدامات قهری یکجانبه در قالب تحریم های اقتصادی می تواند آثار سوئی بر حقوق بشر مردم کشور هدف داشته باشد، از تأثیر منفی این اقدامات بر حق حیات، حق بهداشت و مراقبت های پزشکی، حق بر غذا، حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی، حق بر آموزش، کار و مسکن ابراز نگرانی کرده است. همچنین، شورا می افزاید کالاهای اساسی نظیر غذا و دارو نباید به عنوان ابزارهایی برای فشار سیاسی به کار روند و مردم نباید تحت هیچ شرایطی از ابزارهای موردنیاز برای ادامه حیات محروم شوند.^{۱۲} همچنین در گزارش ۲۹ اوت ۲۰۱۷، گزارشگر ویژه _«ادریس جزایری»^{۱۳} به این موضوع می پردازد که دولت ها بر اساس اسناد حقوق بشری دارای پاره ای تعهدات فراسرزمینی هستند یعنی تعهداتی که آن ها در خارج از سرزمین خود برای رعایت حقوق بشر دارند. دولت ها نه تنها خود مکلف به رعایت چنین حقوقی هستند بلکه باید اجراء این حقوق را تضمین کنند. از نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تعهد فراسرزمینی مبنی بر احترام به حقوق بشر ملازمه با آن دارد که دولت های عضو از مداخله مستقیم یا غیر مستقیم در تحقق حقوق مندرج در میثاق برای اشخاصی که در خارج از قلمرو آنها به سر می برند خودداری کنند و مانع دیگر دولت ها در اجرای تعهداتشان بر اساس میثاق نشوند.^{۱۴} گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در گزارش ۳۰ اوت ۲۰۱۸ با توصیف تحریم های علیه ایران به عنوان تحریم های جامع تأثیر اعمال این تحریم ها بر اشخاص ثالث را مشابه تأثیر محاصره جنگی یک کشور دانسته که به جنگ اقتصادی منتهی می شود. از نظر ایشان اگرچه تحریم های جامع که با تحریم های ثانویه همراه شده است از دید حقوق بین الملل بشردوستانه، محاصره جنگی در معنای دقیق کلمه نیست اما به جهت مشابهت آثار تحریم ها بر جمعیت غیرنظامی کشور مورد تحریم ضرورت دارد الزامات حقوق بین الملل بشردوستانه مانند اصول ضرورت، تناسب و تفکیک اعمال شود.^{۱۵}

از چهار جرمی که در صلاحیت دیوان بین المللی کیفری قرار دارد، پیامدهای ناشی از تحریم ها را می توان ذیل برخی از مصادیق جنایت علیه بشریت جای داد. طبق ماده ۷ اساسنامه دیوان، جنایت علیه بشریت عبارت است از یک اقدام مجرمانه که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک که علیه جمعیت «غیرنظامی»^{۱۶} و با آگاهی از آن حمله انجام می شود. در جنایت علیه بشریت، حمله باید مقید به «گسترده» یا «سیستماتیک» باشد تا یک جرم از حالت یک جرم داخلی به یک جنایت علیه بشریت تبدیل شود؛ واژه «گسترده» به مواردی از جمله وسعت حمله یا تعداد

^{۱۱} Human Rights Council, Human Rights and Unilateral Coercive Measures, Twenty-Seventh Session, Agenda Item 3, 3 October 2014.

^{۱۲} *Id.*

^{۱۳} Edris Jazayeri.

^{۱۴} Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on the Negative Impact of Unilateral Coercive Measures on the Enjoyment of Human Rights, A/72/370, 29 August 2017, Paras. 34-37,45.

^{۱۵} Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on the Negative Impact of Unilateral Coercive Measures on the Enjoyment of Human Rights, Agenda item 3, 10-28 September 2018.

^{۱۶} Civilian.

بزه دیدگان اشاره دارد، درحالی که کلمه «سیستماتیک» به وجود یک سیاست یا طراحی قبلی اشاره دارد.^۷ تحریم ها را می توان مصداق حمله هایی قلمداد نمود که به صورت گسترده و سیستماتیک صورت گرفته است. اگرچه برای اثبات جنایت علیه بشریت، اثبات هرکدام از گسترده بودن و سیستماتیک بودن به تنهایی کافی است، اما در مورد تحریم ها هر دو مورد محقق شده است. مطابق نظر غالب، این حمله لزوماً نظامی نیست و از نظر منطقی، دلیلی برای منحصر کردن جنایت علیه بشریت به زمان جنگ وجود ندارد. عدم ضرورت حمله نظامی، در قواعد برخی دادگاه های بین المللی کیفری از جمله دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا (دادگاه رواندا) مورد تأکید قرار گرفته است.^۸ دادگاه رواندا حمله را بعنوان عمل غیرقانونی تعریف می کند که می تواند ماهیتاً غیرخشونت آمیز باشد.^۹ در اساسنامه رُم نیز حمله بعنوان یک سیر رفتاری تعریف شده که مستلزم ارتکاب اعمال ممنوعه متعدد است. همچنین همان طور که دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی (دادگاه یوگسلاوی) تصریح نموده است _ کلمه «هر» در عبارت «علیه هر جمعیت غیرنظامی»^{۱۰} نشان دهنده این است که جنایت علیه بشریت می تواند علیه غیرنظامیان دارای تابعیت یکسان یا متمایز از مرتکب و یا افراد «بی تابعیت»^{۱۱} ارتکاب یابد و واژه «جمعیت» نیز به معنای این نیست که برای تحقق این جرم، کل جمعیت یک دولت یا سرزمین باید بزه دیده قلمداد شوند، بلکه این واژه صرفاً نشان دهنده «ماهیت جمعی»^{۱۲} این جرم است.^{۱۳}

در خصوص مصداق جنایت علیه بشریت که بطور مشخص می توانند در موضوع تحریم ها مورد توجه قرار بگیرند، شقوق «ب» (نابودسازی) و «ح» (آزار و اذیت) و «ذ» (سایر اعمال غیرانسانی) بند نخست ماده ۷ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری قابل ذکر است. نخستین مورد، نابودسازی است. نابودسازی به معنای تحمیل عمدی شرایط مشخصی از زندگی است که از جمله با محروم کردن بخشی از یک جمعیت غیرنظامی از حقوق بنیادینش از جمله دسترسی به غذا و دارو، به نابودی آن ها می انجامد.^{۱۴} جرم نابودسازی، علاوه بر مرگ مستقیم افراد، هر موردی که بطور غیرمستقیم سبب مرگ افراد شود را نیز در بر می گیرد. از عبارت «تحمیل عمدی شرایط زندگی» نیز چنین برداشت می شود که نتیجه اولیه اقدام مرتکب در نابودسازی نباید لزوماً از بین بردن افراد باشد و اگر مرتکب در اقداماتی مشارکت کند که

^۷ Chesterman, Simon, "An Altogether Different Order: Defining the Elements of Crimes against Humanity," Duke Journal of Comparative and International Law, Vol.10, No. 307, 2000, pp. 314,320-321.

^۸ Klamberg, Mark, Commentary on the Law of the International Criminal Court, Torkel Opsahl Academic E-Publisher, 2017, p. 53.

^۹ Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, 2 September 1998, para. 581.

^{۱۰} Chesterman, *supra note* 17, p. 316.

^{۱۱} Directed against any Civilian Population.

^{۱۲} Stateless.

^{۱۳} Collective Nature.

^{۱۴} Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Trial Judgment of 7 May 1997, paras. 635,644.

^{۱۵} Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 7 (2) (b).

در نهایت برخی افراد یا حتی یک نفر از بین برود نیز جرم نابودسازی تحقق یافته است.^{۲۶} همچنین، لزومی ندارد که متهم به ارتکاب این جرم، شخصاً اعمال متعدد و گسترده ای انجام داده باشد، بلکه انجام عمل واحدی از سوی او، در صورتی که این عمل بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته باشد و مرتکب از وجود چنین حمله ای اطلاع داشته باشد، کفایت می‌کند^{۲۷} و تنها «حمله» نه اعمال انفرادی متهم – باید گسترده یا سازمان یافته باشد.^{۲۸} با توجه به این که تعریف موسّعی در خصوص اقداماتی که ممکن است به عنوان «نابودسازی» قلمداد شود، پذیرفته شده است، تحریم‌ها را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق این جرم تلقی نمود. برای مثال، شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا در یکی از آراء خود در سال ۲۰۰۷،^{۲۹} اقداماتی همچون کلمات تحریک برانگیز و نقل و انتقال حمله کنندگان را به منزله ارتکاب جرم نابودسازی قلمداد کرده است.^{۳۰}

مورد دوم، «آزار و اذیت» است. جرم «آزار و اذیت» به معنای محروم کردن شدید و ارادی افراد یک گروه از حقوق بنیادینشان است.^{۳۱} در خصوص اقداماتی که می‌تواند منجر به تحقق جرم آزار و اذیت شود نیز رویکرد موسّعی پذیرفته شده است که بر اساس آن، اقدامات گسترده ای از قتل تا ایجاد محدودیت بر شغل افراد در این خصوص مورد قبول قرار گرفته است.^{۳۲} دادگاه‌های بین‌المللی کیفری موردی نیز در عمل تعریف موسّعی از «آزار و اذیت» را پذیرفته‌اند. برای مثال، در قضیه «ناهیما» در دادگاه رواندا، «سخنان نفرت پراکنی»^{۳۳} و در قضیه «کووکا» و قضیه «بلاسکیچ» در دادگاه یوگسلاوی تحقیر افراد و تخریب اموال به منزله «آزار و اذیت» قلمداد شده است.^{۳۴} ویژگی متمایز «آزار و اذیت» در مقایسه با سایر مصادیق جنایت علیه بشریت این است که این جرم لزوماً باید با «قصد تبعیض آمیز»^{۳۵} ارتکاب یابد^{۳۶}

^{۲۶}. Cryer, Robert and Friman, Hakan and Robinson, Darryl, and Wilmschurst, Elizabeth. An Introduction to International Criminal Law and Procedure, Cambridge University Press, 2007, p. 202.

^{۲۷}. زمانی، سیدقاسم و شیران خراسانی، رضا. «تمایز بین نابودسازی به عنوان مصادقی از جنایت علیه بشریت با نسل‌کشی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۸۰، ص ۱۳۹.

^{۲۸}. Prosecutor v. Dario Kordić & Mario Cerkez, Case No. IT-95-14/2, ICTY, Appeals Chamber, 2004, Para. 94; Prosecutor v. Tihomir Blaskic Case No. IT-95-14, ICTY, Appeals Chamber, 2004, Para. 101; Prosecutor v. Dragoljub Kunarac, Case No. IT-96-23 & 23/1, ICTY, Appeals Chamber, 2002, Para. 96.

^{۲۹}. Prosecutor v. Emmanuel Nindabahizi, Case No. ICTR-01-71-A, Appeal Judgment of 16 January 2007, para. 123.

^{۳۰}. Wirth, Steffen. "Committing Liability in International Criminal Law," The Emerging Practice of the International Criminal Court – edited by Carsten Stahn and Goran Sluiter, Martinus Nijhoff Publishers, 2009, P. 336.

^{۳۱}. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 7 (2) (g).

^{۳۲}. Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Trial Judgment, 7 May 1997, para. 704.

^{۳۳}. Prosecutor v. Nahimana, Case No. ICTR-99-52-T, Judgment, 3 December 2003, para. 1072.

^{۳۴}. Prosecutor v. Kvočka Case No. IT-98-30/1-T, Judgement, 2 November 2001, para. 192; Blaskic (IT-95-14-T), Judgment, 3 March 2000, para. 227.

^{۳۵}. Discriminatory Intent.

^{۳۶}. Robinson, Darryl. "Crimes against Humanity: A Better Policy on 'Policy'," The Law and Practice of the International Criminal Court – edited by Carsten Stahn, Oxford University Press, 2015, P. 715.

و این تبعیض می تواند بر مبنای مسایل مذهبی، نژادی، قومی، سیاسی و ملی باشد.^{۳۷} با توجه به این که تحریم های مورد شکایت صرفاً در خصوص دولت و سرزمین ایران قصد شده است، به آسانی می توان تأثیر آن ها بر مردمانی با ملیت ایرانی را پذیرفت.

آخرین موردی که به عنوان پیامد ناشی از تحریم ها می تواند مورد توجه قرار بگیرد، «سایر اعمال غیرانسانی» است. توجه جدی به اهداف والای حقوق بین المللی کیفری از جمله پایان دادن به «بی کیفرمانی»^{۳۸} مرتکبان شدیدترین جرایم بین المللی سبب شده تا پس از برشمردن مصادیق جنایت علیه بشریت، «سایر اعمال غیرانسانی» به عنوان آخرین مورد جنایت علیه بشریت مورد توجه قرار بگیرد.^{۳۹} این جرم اغلب در مواردی که امکان مطابقت یک عمل شنیع با یکی از جرایم بین المللی وجود ندارد، مورد توجه قرار می گیرد. برای مثال، شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه سیرالئون در قضیه «بریما»^{۴۰} که نمی توانست «ازدواج اجباری»^{۴۱} را به عنوان یک جرم جنسی قلمداد کند، آن را به منزله یکی از مصادیق «سایر اعمال غیرانسانی» بعنوان جنایت علیه بشریت اعلام نمود.^{۴۲} یا در قضیه «برونین» که دادگاه یوگسلاوی به سبب عدم جرم انگاری «جابجایی اجباری»^{۴۳} در اساسنامه ناچار شد تا این عمل را ذیل سایر اعمال غیرانسانی مورد رسیدگی قرار دهد.^{۴۴} در مورد «سایر اعمال غیرانسانی» هیچ فهرست احصاء شده ای از اعمال مجرمانه وجود ندارد؛ اما، برخی ویژگی ها باید در مورد این اعمال وجود داشته باشند، از جمله این که این اعمال باید سبب رنج شدید یا صدمه جدی نسبت به بدن یا نسبت به سلامت جسمی یا روحی افراد شود و^{۴۵} آن ها باید دارای شدتی مشابه سایر جرایم علیه بشریت باشند و مرتکب نیز باید از شرایطی که نشانگر شدت عمل است، آگاه باشد. علی رغم این قیود، صلاحدید و تشخیص مرجع قضایی برای تعیین برخی اعمال بعنوان جنایت علیه بشریت بسیار تعیین کننده است.^{۴۶} در خصوص تحریم های علیه ایران باید گفت که با توجه به آثار و پیامدهای شدید تحریم ها، حتی اگر نتوان آن ها را در قالب یکی از مصادیق مشخص جنایت علیه بشریت فهرست نمود، می توان آن را به منزله «سایر اعمال انسانی» قلمداد و آن را

^{۳۷} Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-A, Appeals Chamber of 15 July 1999, para. 305.

^{۳۸} Impunity.

^{۳۹} . جرم انگاری «سایر اعمال غیرانسانی» که پیش از اساسنامه رُم، در اساسنامه های دادگاه های یوگسلاوی و رواندا نیز مورد توجه قرار گرفته بود، به صراحت مغایر اصل «قانونی بودن جرم» (*Nullum crimen sine lege*) به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق کیفری است. این اصل حتی در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیز مورد تصریح قرار گرفته است (ماده ۲۲).

^{۴۰} Prosecutor v. Brima et al., SCSL-04-16-T, Judgment, TC, 20 July 2007, paras. 703-713; SCSL-04-16-A, Judgment, AC, 22 February 2008, para. 195.

^{۴۱} Forced Marriage.

^{۴۲} Cottier, Michael and Mzee, Sabine. "Article 8," The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary – edited by Otto Triffterer, Morten Bergsmo, and Kai Ambos, C.H.Beck.Hart.Nomos, 2016, p. 491.

^{۴۳} Forcible Transfer.

^{۴۴} Prosecutor v. Broanin, Case No. IT-99-36-T, Judgment, Trial Judgment, 1 September 2004, para. 544.

^{۴۵} Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 7 (2) (k).

^{۴۶} DeGuzman, Margaret M. "Crimes against Humanity," Routledge Handbook of International Criminal Law – edited by William A. Schabas and Nadia Bernaz, Routledge, 2011, P. 134.

محکوم کرد. البته، لازم بذکر است دولت ونزوئلا که بعنوان یک دولت طرف اساسنامه دیوان در تاریخ ۱۳ فوریه ۲۰۲۰ با تلقی تحریم های یکجانبه آمریکا بعنوان جنایت علیه بشریت، تحقیقات در مورد این موضوع را از دادستان دیوان درخواست نموده است، علاوه بر سه جرم مذکور، جرم «قتل»^{۴۷} (الف) ماده ۷(۱) و «اخراج»^{۴۸} (ت) ماده ۷(۱) را نیز بواسطه آثار فاجعه بار تحریم ها قابل تحقق قلمداد نموده است.^{۴۹}

۲. صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص تعقیب مقامات آمریکایی وضع‌کننده تحریم علیه ایران

مطابق ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری،^{۵۰} ارجاع وضعیت متضمن یک یا چند تا از جنایات تحت صلاحیت دیوان یعنی نسل‌زدایی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت تجاوز علیه دولت^{۵۱} به یکی از سه روش امکان پذیر است: ارجاع وضعیت از سوی دولت طرف اساسنامه (چه در مورد خودش یا دیگر کشور طرف)^{۵۲} ارجاع وضعیت به وسیله قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور به دادستان دیوان؛ و یا آغاز تحقیقات به ابتکار دادستان^{۵۳} جهت بررسی مقدماتی را آغاز کند. بجز در مورد ارجاع از سوی شورای امنیت، در سایر موارد، جرم ادعایی باید در سرزمین یک دولت طرف اساسنامه دیوان رخ داده باشد یا این که متهم تبعه دولت مزبور باشد.^{۵۴} با توجه به این که دولت های ایران و آمریکا به عنوان دولت محل ارتکاب جرم ادعایی و دولت متبوع متهم ادعایی هیچکدام دولت طرف اساسنامه دیوان نیستند، امکان ارجاع از سوی ایران به دیوان وجود ندارد و دادستان دیوان نیز نمی تواند در این حالت، تحقیقات را به اختیار خود آغاز کند. همچنین، از آن جایی که دولت آمریکا یکی از

^{۴۷} Murder.

^{۴۸} Deportation.

^{۴۹} Referral pursuant to Article 14 of the Rome Statute to the prosecutor of International Criminal Court by the Bolivarian Republic of Venezuela with respect to Unilateral Coercive Measures 2020.

^{۵۰} Rome Statute of the International Criminal Court 1998, available at <https://www.icc-cpi.int/resource-library/documents/rs-eng.pdf> (last visit 8/5/2020)

^{۵۱} . در کنفرانس رم که به منظور تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تشکیل شد، دولت کوبا پیشنهاد نمود که جرم «تحریم اقتصادی» نیز جزء جرایم تحت صلاحیت دیوان قرار بگیرد که این پیشنهاد مورد پذیرش قرار نگرفت (میرمحمدصادقی، حسین و رحمتی، علی. «ارتباط و همزیستی دادگاه های مختلط (بین‌المللی شده) با دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم ملی»، مجله آموزه های حقوق کیفری، ۱۳۹۷، شماره ۱۵، ص ۱۰).

^{۵۲} . تاکنون ۱۲۳ دولت به عضویت دیوان بین‌المللی کیفری درآمده اند. بنگرید به:

https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=IND&mtdsg_no=XVIII-10&chapter=18&lang=en (last visit 8/6/2020)

^{۵۳} *proprio motu*.

^{۵۴} Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 12 (2)(a),(b).

در نظام دیوان کیفری بین‌المللی، تابعیت بزه‌دیده به هیچ وجه نمی تواند محمل اثبات یا اعمال صلاحیت دیوان باشد. این در حالی است که امروزه در قوانین بسیاری از کشورها اصل شخصیت منفعل (Passive Personality Principle) یا همان صلاحیت دادگاه های داخلی بر مبنای تابعیت بزه‌دیده به عنوان یکی از اسباب مثبت صلاحیت دادگاه پیش بینی شده است که برای مثال می توان به ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲) اشاره کرد (بیگ زاده، ابراهیم و عبداللهی، سیدمحمدعلی. «موازنه آرمان عدالت کیفری و موازنه حقوقی: اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به اتباع دولت های غیرعضو»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۷، شماره ۸۴، ص ۱۸).

اعضاء دایم شورای امنیت است، بدون تردید با اعمال حق و تو مانع تصویب قطعنامه مطروح احتمالی در شورا در خصوص ارجاع وضعیت به دیوان خواهد شد. بنابراین، برای تعقیب مسئولیت کیفری مقامات آمریکایی به واسطه تحریم ها در دیوان، پذیرش «صلاحیت موردی»^{۵۵} دیوان (بند سوم ماده ۱۲ اساسنامه) تنها گزینه قابل استفاده است.

مطابق بند سوم ماده ۱۲ اساسنامه دیوان، دولتی که طرف اساسنامه نیست، نمی تواند با صدور یک اعلامیه و تسلیم آن به مدیر دفتر دیوان، اعمال صلاحیت دیوان را بپذیرد. مدیر دفتر دیوان به محض دریافت اعلامیه، به دولت صادرکننده اعلامیه گوشزد می کند که پیامد پذیرش این نوع صلاحیت دیوان این است که جرایم مندرج در ماده ۵ اساسنامه که با وضعیت ارجاعی مرتبط است و مقررات بخش نهم اساسنامه (همکاری بین المللی و معاضدت قضایی)^{۵۶} و کلیه قواعد مربوط با آن در رابطه با سایر دولت های عضو، در رسیدگی احتمالی آتی اعمال خواهند شد.^{۵۷} اگر این حالت، تعقیب جرایم ارتکاب یافته در سرزمین دولتی که صلاحیت موردی دیوان را می پذیرد و یا جرایمی که بوسیله اتباع این دولت ارتکاب یافته اند، امکان پذیر خواهد شد. در خصوص جرم ارتکابی در سرزمین این دولت ضرورتی ندارد تا جرم تماماً در سرزمین دولت مزبور واقع شده باشد و صرف تحقق بخشی از آن در سرزمین دولت مزبور همان طور که از سوی شعبه مقدماتی دیوان در وضعیت میانمار تصریح گردید^{۵۸} برای رسیدگی دیوان کفایت می کند. دولت ونزوئلا که در ۱۳ فوریه ۲۰۲۰ با تلقی تحریم های یکجانبه آمریکا بعنوان جنایت علیه بشریت نزد دیوان

^{۵۵}. پیش بینی امکان پذیرش صلاحیت موردی دیوان بین المللی کیفری بر طبق ماده ۱۲(۳) اساسنامه دیوان سبب شده تا تمامی افراد در سرتاسر جهان از اول ژوئیه ۲۰۰۲ در معرض اعمال صلاحیت بالقوه دیوان قرار بگیرند و از آن جایی که جرایم تحت صلاحیت دیوان مشمول مرور زمان نمی شوند (ماده ۲۹ اساسنامه)، پایانی برای این خطر بالقوه قابل تصور نیست (طهماسبی، جواد. «قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین المللی کیفری»، مجله حقوقی بین المللی، ۱۳۸۶، شماره ۳۷، صص ۳۲-۳۳). پذیرش صلاحیت موردی دیوان تمایزهای جزئی با عضویت کامل در دیوان دارد. برای مثال، دولتی که صلاحیت موردی دیوان را می پذیرد نمی تواند با توسل به ماده ۱۲۴ اساسنامه، امکان اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرایم جنگی را تا هفت سال مستثنی کند.

(Rastan, Rod. "The Relationship to Domestic Jurisdiction: Jurisdiction," The Law and Practice of the International Criminal Court – edited by Carsten Stahn, Oxford University Press, 2015, P. 169)

^{۵۶}. با وجود تصریح ماده ۱۲ (۳) اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در خصوص امکان صدور اعلامیه مبنی بر پذیرش صلاحیت موردی از سوی دولت غیرطرف، برخی افراد امکان صدور آن از سوی دولت های عضو دیوان را نیز قابل تصور دانسته اند (رمضانی قوام آبادی، محمدحسین. «از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان کیفری بین المللی»، فصلنامه دولت پژوهی، ۱۳۹۵، سال ۲، شماره ۷، ص ۱۵).

^{۵۷}. تعهد دولت پذیرنده صلاحیت موردی دیوان بین المللی کیفری به همکاری با دیوان صرفاً در محدوده اعلامیه ای است که آن دولت در خصوص پذیرش صلاحیت موردی صادره کرده است (Zimmerman, Dominik. "Preconditions to the Exercise of Jurisdiction: Article 12 (3)," Commentary on the Law of the International Criminal Court – edited by Mark Klamburg, Torkel Opsahl Academic EPublisher, 2017, P. 172).

^{۵۸} Rules of Procedure and Evidence of International Criminal Court, rule. 44.

^{۵۹}. از آن جایی که دولت میانمار طرف اساسنامه دیوان بین المللی کیفری نیست، دیوان تا سال ها نمی توانست به فجایی که در سرزمین این کشور علیه مسلمانان ارتکاب می یابد، هیچ گونه واکنشی نشان دهد. سرانجام در ۱۵ شهریور ۱۳۹۷ (۶ سپتامبر ۲۰۱۸) شعبه مقدماتی دیوان، استدلال دادستان دیوان خانم فاتو بنسودا (Fatou Bensouda) را می پذیرد و اعلام می کند اگر تنها یکی از عناصر جرم یا بخشی از جرم در سرزمین دولتی ارتکاب یافته باشد که صلاحیت دیوان را پذیرفته است (در این جا بنگلادش)، دیوان می تواند نسبت به رسیدگی به آن جرم اعمال صلاحیت کند. این اظهارنظر در خصوص جرم «اخراج» (Deportation) افراد از میانمار بعنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت (ماده ۷(۱) (ت) اساسنامه) بیان شد.

شکایت کرده است، به منظور اثبات صلاحیت دیوان علاوه بر قضیه میانمار به قضیه گُره جنوبی نیز استناد کرده است.^{۶۰} در واقع، فارغ از این که تحریم ها در سرزمین دولت غیرطرف اساسنامه دیوان (آمریکا) وضع شده است، پیامدهای آن در سرزمین دولتی نمایان شده است که صلاحیت موردی دیوان را پذیرفته است (ایران).

پذیرش صلاحیت موردی دیوان مشمول «تکمیلی بودن» صلاحیت دیوان نسبت به صلاحیت دادگاه های ملی نمی شود؛ چراکه در پذیرش صلاحیت موردی دیوان، دولت صادرکننده اعلامیه با اقدام خود بطور ضمنی فقدان قصد خود را نسبت به تعقیب متهم اعلام می کند که این امر یکی از مواردی است که بر اساس ماده ۱۷ اساسنامه، مشمول اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان نمی شود. اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی دیوان باید ویژگی های معینی داشته باشد که دولت ایران در صورت اقدام به صدور آن باید آن ها را مورد توجه قرار دهد. این اعلامیه باید در خصوص جرم یا وضعیتی که به آن اشاره می کند، صریح، دقیق و غیرمبهم باشد^{۶۱} و از سوی مقام صلاحیتدار دولت صادر شده باشد. اعلامیه می تواند صلاحیت دیوان را به دوره زمانی پیش از صدور خود تعمیم دهد و حتی تا زمان لازم الاجراء شدن اساسنامه عقب ببرد. این در حالی است که نسبت به دولتی که بطور عادی طرف اساسنامه دیوان می شود، دیوان تنها می تواند از تاریخ لازم الاجراء شدن اساسنامه برای آن دولت (در نخستین روز اولین ماه بعد از ۶۰ روز از تودیع سند نزد آیین (ماده ۱۲۶ (۲) اساسنامه))، نسبت به آن اعمال صلاحیت کند.^{۶۲} البته، اگر دولت صادرکننده اعلامیه هیچ

^{۶۰} . در گزارش دفتر دادستانی دیوان در خصوص بررسی مقدماتی در وضعیت دولت گُره جنوبی تصریح گردید با این که بمباران جزیره «یون پیانگ» (Yeonpyeong) از دولت گُره شمالی بعنوان یک دولت طرف اساسنامه دیوان انجام شد، این اقدام علیه جزیره ای که تحت صلاحیت گُره جنوبی بعنوان یک دولت طرف اساسنامه است، می باشد و دیوان می تواند نسبت به این موضوع که به کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن ۶۶ انسان منجر شده، اعمال صلاحیت کند. در واقع، اقدام به شلیک موشک را نمی توان رفتاری جدا از برخورد موشک به منطقه مورد هدف قلمداد کرد و از این رو مبنای صلاحیتی دیوان وجود دارد (Situation in the Republic of the Korea Article 5 Report, 5 June 2014. paras. 8,39).

^{۶۱} Complementarity.

^{۶۲} . نژندی منش، هیبت الله و بذآر، وحید. «تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین المللی کیفری و جنایت تجاوز»، مجله آموزه های حقوق کیفری، ۱۳۹۶ شماره ۱۴، ص ۲۰۵.

^{۶۳} Bourgon, Stephane. "The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary," edited by Antonio Cassese and Paola Gaeta and John R.W.D. Jones, Oxford University Press, 2002, p. 563.

^{۶۴} . دفتر دادستانی دیوان کیفری بین المللی، اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی ۱۰ اوت ۲۰۱۳ در مورد بررسی وضعیت دولت مصر را با این استدلال نپذیرفت که صادرکنندگان اعلامیه، نه در زمان صدور و نه به هنگام تحویل آن به مدیر دفتر دیوان، اختیار و صلاحیت لازم برای اقدام از طرف دولت مصر را نداشتند و از این رو، این مکاتبات نمی تواند به عنوان اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی بر اساس ماده ۱۲ (۳) اساسنامه دیوان قلمداد شود (ElDeeb, Hossam. "The Ratification and Implementation of the Rome Statute of the International Criminal Court by the Arab States: Prospects and Challenges," Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, Brunel Law School, 2015, pp. 296-304).

^{۶۵} . امکان گسترش صلاحیت دیوان بین المللی کیفری به دوره زمانی پیش از صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی سبب شد تا دولت فلسطین، یک روز قبل از پیوستن به اساسنامه رُم، با صدور اعلامیه ای، صلاحیت موردی دیوان را نسبت به وقایع پس از ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ مورد پذیرش قرار دهد (Napoletano, Nicola. "Non-State Entity's 'Ability to Lodge' a Declaration pursuant to Article 12(3) of the ICC Statute," Questions of International Law, Vol. 20, 2015, p. 21).

صلاحیت موردی دیوان صادر می کند. در اعلامیه نخست _ ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ _ که صلاحیت دیوان نسبت به اعمال ارتكابی در سرزمین فلسطین اشغالی از زمان لازم الاجراء شدن اساسنامه _ یکم ژوئیه ۲۰۰۲ _ پذیرفته شده بود، دادستان در سال ۲۰۱۲ با این استدلال که وضعیت فلسطین بعنوان یک دولت، محل

تاریخی را برای اعمال صلاحیت دیوان معین نکند، دیوان از زمان صدور اعلامیه به بعد قادر به اعمال صلاحیت خواهد بود. بنابراین، ایران می تواند به هنگام پذیرش صلاحیت موردی دیوان، تاریخ بازاعمال تحریم ها _هشتم مه ۲۰۱۸_ را به عنوان تاریخ آغاز صلاحیت دیوان اعلام کند. دولت صادرکننده اعلامیه علاوه بر این که ملزم نیست تا بازه زمانی مشخصی را برای اعمال صلاحیت دیوان تعیین کند، الزامی ندارد که جرم یا جرایم خاصی را در اعلامیه ذکر کند. در خصوص متهمان نیز دولت مزبور هیچ اختیاری برای معرفی آن ها ندارد و دادستان دیوان است که متهمانی را در خصوص این وضعیت جهت رسیدگی به دیوان معرفی می کند. برای مثال، در وضعیت دولت ساحل عاج که با صدور اعلامیه ای در ۱۸ آوریل ۲۰۰۳، صلاحیت موردی دیوان را نسبت به جرایم ارتكابی در سرزمینش پذیرفت، تاکنون دو قضیه «سیمون گباگو»^{۶۶} و «لوران گباگو و چارلز بله گوده»^{۶۷} در خصوص جنایت علیه بشریت در دیوان مطرح شده که تحت رسیدگی دیوان است.

پرسشی که مطرح می شود این است که آیا پذیرش صلاحیت موردی دیوان از سوی ایران می تواند مقامات ایرانی را در معرض تعقیب قضایی دیوان قرار دهد؟ دولتی که صلاحیت دیوان را به صورت موردی می پذیرد، می تواند در اعلامیه خود، صلاحیت دیوان را منحصر به محدوده زمانی مشخصی کند تا از اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرایم ارتكابی در سایر زمان ها پیشگیری کند. این در حالی است که دولت هایی که طرف اساسنامه دیوان می شوند، امکانی برای محدود کردن صلاحیت زمانی دیوان ندارند.^{۶۸} در قضیه ساحل عاج، اختلاف شدیدی در خصوص محدوده اعلامیه

تأمل است و این امر باید به وسیله مراجع صالح در تفسیر و اجراء ماده ۱۲ اساسنامه دیوان از جمله نهادهای ملل متحد یا مجمع دولت های عضو دیوان تعیین شود، از بررسی بیشتر وضعیت فلسطین امتناع می کند (Clark, Roger S. "Article 125," *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* – edited by Otto Triffterer, Morten Bergsmo, and Kai Ambos, C.H.Beck.Hart.Nomos, 2016, p. 2318) حتی پس از این که مجمع عمومی ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ وضعیت دولت ناظر غیرطرف (Non-Member Observer State) را برای فلسطین مورد پذیرش قرار می دهد (A/RES/67/19 of 29 November 2012) نیز دادستان از نظر خود در خصوص بی اعتباری اعلامیه سال ۲۰۰۹ عدول نمی کند و اعلام می کند که قطعنامه مجمع عمومی نسبت به اعلامیه سال ۲۰۰۹ عطف بماسبق نمی شود (Non-Retroactivity) و فلسطین تنها می تواند پس از ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ صلاحیت دیوان را بر اساس مواد ۱۲ و ۱۲۵ اساسنامه بپذیرد (ElDeeb, *supra note* 64, p. 273) شاید به عقب نبردن بیشتر صلاحیت دیوان در اعلامیه دوم پذیرش صلاحیت موردی دیوان از سوی فلسطین به سبب سابقه ای بود که دادستان در پاسخ به اعلامیه نخست فلسطین از خود بجا گذاشته بود. به عبارت دیگر، فلسطین می پنداشت که اگر در اعلامیه دوم بخواهد صلاحیت دیوان را به زمان هایی عطف بماسبق کند که دادستان قبلاً امکان اعمال صلاحیت دیوان نسبت به آن ها را نپذیرفته بود، ممکن است این اعلامیه نیز به سرنوشت اعلامیه نخست دچار شود. بهرحال، اعلامیه دوم فلسطین مورد قبول دادستان دیوان قرار می گیرد و دادستان بررسی مقدماتی در این خصوص را آغاز می کند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک:

Wills, Alexander. 2014. "Old Crimes, New States and the Temporal Jurisdiction of the International Criminal Court," *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 12, Issue. 3, pp. 407-435.

^{۶۶} Simone Gbagbo.

^{۶۷} Laurent Gbagbo and Charles Ble Goude.

^{۶۸} به عنوان یک مورد استثنائی، دولتی که طرف اساسنامه دیوان بین المللی کیفری می شود، می تواند اعلام کند که تا هفت سال پس از لازم الاجراء شدن اساسنامه دیوان، اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرایم جنگی ارتكابی در سرزمینش یا از سوی اتباعش را نمی پذیرد (Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 124) این در حالی است که اساسنامه، امکان اعمال شرط (Reservation) نسبت به هیچکدام از مقرره های خود را نپذیرفته است (Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 120).

پذیرش صلاحیت موردی ایجاد شد که شعبه سوم مقدماتی دیوان ضمن حل این اختلاف، به برخی پرسش‌های اساسی در این خصوص نیز پاسخ گفت. در قضیه مزبور، وکیل مدافع متهم _ آقای «گباگو»^{۶۹} استدلال می‌کند که صلاحیت دیوان در موارد ارجاع موردی کاملاً محدود به اعلامیه صادره است و حتی در مواردی که اعلامیه ساکت است، باید با تفسیر مضیق اعلامیه، قصد صادرکننده آن را دریافت. چراکه اثر حقوقی یک اعلامیه یکجانبه محدود به رضایت صادرکننده است و در تفسیر چنین اعلامیه‌هایی، اصول راهنمای قابل اعمال بر اعلامیه‌های یکجانبه‌ای که می‌تواند تعهدات حقوقی ایجاد کنند (۲۰۰۶) _ به جای قواعد تفسیر مندرج در کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) _ لازم رعایه است که بر اساس آن، قصد یک دولت باید در پرتو سیاق و شرایطی تفسیر شود که اعلامیه در آن صادر شده است و در موارد تردید باید یک تفسیر مضیق مدنظر قرار گیرد.^{۷۰} بنابراین، از آن جایی که قصد صدور اعلامیه ۱۸ آوریل ۲۰۰۳، ایجاد صلاحیت موردی برای دیوان نسبت به بحران ایجاد شده در سال ۲۰۰۲ است و این بحران با امضاء موافقتنامه «لیناس-مارکوسس»^{۷۱} در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۳ به پایان رسیده است، اعلامیه مزبور نیز نمی‌تواند به تاریخی فراتر از آن تعمیم یابد.^{۷۲} در مقابل، دادستان دیوان استدلال می‌کند که قصد دولت ساحل عاج را باید به واسطه نامه‌های رییس جمهور وقت این کشور _ آقای «آلسان اوتارا»^{۷۳} _ در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی مبنی بر تداوم صلاحیت دیوان نسبت به وضعیت ساحل عاج درک نمود.^{۷۴} شعبه سوم مقدماتی دیوان در نتیجه گیری نهایی خود ضمن تصدیق این که

^{۶۹}. آقای «گباگو» از سال ۲۰۰۰ میلادی رییس جمهور ساحل عاج بود و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۰ که مغلوب «آلسان اوتارا» نخست وزیر سابق شد، نتیجه انتخابات را نپذیرفت و به‌مراه رییس جمهور منتخب، سوگند ریاست جمهوری یاد کرد. این واقعه، درگیری‌های گسترده‌ای را دامن زد که منجر به مرگ ۳۰۰۰ نفر و کوچ ۵۰۰۰ نفر شد (Tawa, Netton Prince and Engelsdorfer, Alexandra. "Acceptance of the International Criminal Court in Côte d'Ivoire: Between the Hope for Justice and the Concern of 'Victor's Justice'," After Nuremberg: Exploring Multiple Dimensions of the Acceptance of International Criminal Justice – edited by Susanne Buckley-Zistel, Friederike Mieth and Marjana Papa, 2017, P. 1)

^{۷۰}: Guiding Principles Applicable to Unilateral Declarations of States 2006, principle. 7.

در جریان رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه «گباگو»، نماینده دفتر مشاوران عمومی بزه‌دیدگان (Office of Public Counsel for Victims (OPCV)) بیان می‌کند اعلامیه یکجانبه‌ای که دولت‌ها بر اساس ماده ۱۲ (۳) اساسنامه صادر می‌کنند، آشکارا از قلمروی اصول راهنمای کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱) خارج است و این اعلامیه باید مطابق با کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) _ و بطور مشخص معنای متداول عبارت‌ها _ تفسیر شود. معنای متداول اعلامیه ۱۸ آوریل ۲۰۰۳ نیز نشان دهنده این است که دولت ساحل عاج، صلاحیت دیوان را بدون هیچ‌گونه محدودیت موضوعی، زمانی و جغرافیایی پذیرفته است (Decision on the Corrigendum of the challenge to the jurisdiction of the International Criminal Court on the basis of articles 12(3), 19(2), 21(3), 55 and 59 of the Rome Statute filed by the Defence for President Gbagbo (ICC-02/11-01/11-129), Pre-Trial Chamber, 15 August 2012, paras. 44-45)

^{۷۱}: Linas-Marcoussis Agreement.

^{۷۲}: Decision on the Corrigendum of the challenge to the jurisdiction of the International Criminal Court on the basis of articles 12(3), 19(2), 21(3), 55 and 59 of the Rome Statute filed by the Defence for President Gbagbo (ICC-02/11-01/11-129), Pre-Trial Chamber, 15 August 2012, paras. 29-33.

^{۷۳}: Alassane Ouattara.

^{۷۴}. در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۰، آقای «اوتارا» رییس جمهور وقت ساحل عاج _ ضمن ارسال نامه‌ای به دیوان کیفری بین‌المللی، اعتبار اعلامیه ۱۸ آوریل ۲۰۰۳ را تأیید و تعهد این دولت به همکاری کامل و فوری با دیوان را اعلام می‌کند. همچنین، او در نامه بعدی خود به دیوان در ۳ مه ۲۰۱۱ بیان می‌کند که متأسفانه بر این باور است که در جریان بحران ایجاد شده در پی انتخابات ریاست جمهوری (۳۱ اکتبر و ۲۸ نوامبر ۲۰۱۰)، جرایم تحت صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است. از طرف دیگر، وکیل مدافع آقای «گباگو» به دلایل مختلفی از جمله بی‌اعتباری اعلامیه ۱۸ آوریل ۲۰۰۳ و فقدان «دادرسی عادلانه»

از هیچ قسمت از اعلامیه ۱۸ آوریل ۲۰۰۳ ساحل عاج این نتیجه حاصل نمی شود که این دولت بدنبال محدود کردن صلاحیت دیوان به زمان یا وضعیت خاصی بوده است، بیان می کند اگرچه دولت ها تصمیم می گیرند تا با صدور اعلامیه به اعمال صلاحیت دیوان رضایت دهند، محدوده این اعلامیه در چارچوب حقوقی دیوان تعیین خواهد شد و قواعد آیین دادرسی دیوان، صلاحیت دولت ها در تبیین محدوده وضعیتی که می تواند تحت رسیدگی دیوان قرار بگیرد را بطور صریح محدود می کند. به نظر دیوان، قاعده ۴۴ به دنبال تضمین این است که دولت هایی که خارج ماندن از اساسنامه را برگزیده اند، نتوانند بطور فرصت طلبانه ای از دیوان به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده کنند و این دولت ها نمی توانند با تعیین پارامترهای دلخواه خود، محدوده ای را برای رسیدگی دیوان نسبت به آن وضعیت ایجاد کنند و آن وضعیت باید شامل کلیه جرایمی شود که به آن مرتبط هستند.^{۷۵} بنابراین، در پاسخ به این پرسش که آیا پذیرش صلاحیت موردی دیوان می تواند اتباع یا مقامات ایرانی را در معرض تعقیب کیفری دیوان قرار دهد باید گفت که این امکان وجود دارد. در واقع، ایران با پذیرش صلاحیت موردی دیوان پس از تحریم های هشتم مه ۲۰۱۸ صرفاً مانع رسیدگی دیوان در خصوص اقدامات اتباع یا مقامات ایرانی می شود که قبل از این تاریخ انجام شده است و دیوان امکان اعمال صلاحیت نسبت به اقدامات این افراد پس از این تاریخ را دارد.

همچنین، باتوجه به رویه دیوان در موضوع پذیرش صلاحیت موردی دیوان از سوی دولت اُکراین، امکان تعیین زمان پایان اعمال صلاحیت دیوان نیز وجود دارد.^{۷۶} تنها نمونه عملی آن نیز اعلامیه صادره از سوی دولت اُکراین در ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ است که بر اساس آن، صلاحیت دیوان نسبت به جرایم ارتكابی در سرزمین اُکراین از ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ تا

(Fair Trial) بواسطه نقض برخی حقوق متهم در جریان بازداشت هشت ماهه او در ساحل عاج و انتقال آن در سال ۲۰۱۱ به دیوان، مدعی عدم صلاحیت دیوان بود. همچنین، او استدلال می کرد از آن جایی که در زمان صدور اعلامیه های صادره در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، آقای «اوتارا» به صورت رسمی (*de jure*) یا دفکتو (*de facto*) رئیس جمهور ساحل عاج نبود، این توانایی را نداشت تا دولت ساحل عاج را به لحاظ حقوقی متعهد کند؛ چراکه طبق قانون اساسی این کشور، رئیس جمهور جدید باید از سوی شورای قانون اساسی معرفی شود و شناسایی بین المللی، سبب مشروعیت او نمی شود. همچنین، او به نظر مشورتی شورای قانون اساسی ساحل عاج در ۲۲ دسامبر ۲۰۱۱ اشاره می کرد که کلیه اعمال آقای «اوتارا» بعنوان رئیس جمهور ادعایی را باطل و بی اعتبار اعلام می کرد. دیوان در نتیجه گیری نهایی خود در خصوص اظهارات وکیل مدافع بیان می کند که با توجه به اعتبار اعلامیه ۱۸ آوریل ۲۰۰۳ و نامحدود بودن آن بلحاظ زمانی، ضرورتی برای بررسی اعتبار اعلامیه های صادره در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ وجود ندارد و همکاری مداوم دولت ساحل عاج با دیوان در خصوص این وضعیت، قرینه ای است که این نتیجه گیری را تأیید می کند.

(Decision on the Corrigendum of the challenge to the jurisdiction of the International Criminal Court on the basis of articles 12(3), 19(2), 21(3), 55 and 59 of the Rome Statute filed by the Defence for President Gbagbo (ICC-02/11-01/11-129), Pre-Trial Chamber, 15 August 2012, paras. 2-3,9-10,35,66)

^{۷۵} Decision on the Corrigendum of the challenge to the jurisdiction of the International Criminal Court on the basis of articles 12(3), 19(2), 21(3), 55 and 59 of the Rome Statute filed by the Defence for President Gbagbo (ICC-02/11-01/11-129), Pre-Trial Chamber, 15 August 2012, paras. 59-60.

^{۷۶} . صلاحیت سرزمینی دیوان بین المللی کیفری در حال حاضر در خصوص برخی وضعیت ها مورد پذیرش قرار گرفته است که حاکمیت بر آن ها یا مرزهای آن ها محل اختلاف است (فلسطین، گرجستان و اُکراین). اقدام دیوان در خصوص جرایمی که در بخش هایی از سرزمین های مورد اختلاف رخ داده است، می تواند به عنوان چالش احتمالی دیوان در آینده مطرح باشد.

۲۲ فوریه ۲۰۱۴ مورد پذیرش قرار گرفته است.^{۷۷} از این رو، دولت ایران می‌تواند ضمن اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی دیوان علاوه بر زمان آغاز، زمان پایان اعمال صلاحیت دیوان را نیز مشخص کند و با این اقدام، امکان اعمال صلاحیت دیوان نسبت به اقدامات اتباع و مقامات ایرانی پس از این تاریخ را منتفی کند. البته، با توجه به این که برخی پیامدهای فاجعه بار ناشی از تحریم‌ها در حال ایجاد است و در آینده ایجاد خواهد شد، تعیین زمان پایان اعمال صلاحیت دیوان نمی‌تواند منجر به مستثنی شدن صلاحیت دیوان نسبت به کلیه مسائل آتی مربوط به تحریم‌ها شود. چراکه آثار برخی تحریم‌ها همواره ایجاد می‌شوند و با فرض تحقق جرم به واسطه این آثار، آن را باید در زمره «جرایم مستمر»^{۷۸} قلمداد نمود. در جرایم مستمر، اگر تنها بخشی از عمل در زمانی که صلاحیت دیوان مستقر است، انجام شده باشد، دیوان می‌تواند نسبت به تمام آن عمل اعمال صلاحیت کند، خواه عمل مزبور قبل از صلاحیت دیوان آغاز شده باشد یا پس از پایان صلاحیت دیوان ادامه یابد. جرم «ناپدیدسازی اجباری»^{۷۹} یکی از مثال‌های بارز جرایم مستمر است که در آن، عمل مجرمانه می‌تواند تا مدت‌ها پس از رخداد اولیه آن یعنی تا پیدا شدن فرد ادامه یابد. بنابراین، اگر ایران صلاحیت دیوان را از زمان بازاعمال تحریم‌ها هجدهم مه ۲۰۱۸ تا تاریخ معینی بپذیرد، با توجه به این که

^{۷۷} . اعلامیه ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ آکراین با اعلامیه ۸ سپتامبر ۲۰۱۵ این دولت جایگزین شد. بر اساس اعلامیه دوم، محدوده زمانی صلاحیت دیوان از پایان زمان تعیین شده در اعلامیه نخست تا مدت زمان نامشخصی پذیرفته شد. دادستان دیوان که هشت روز پس از صدور اعلامیه نخست، بررسی مقدماتی خود را آغاز نموده بود، پس از صدور اعلامیه دوم، گسترش این بررسی به جرایم ادعایی پس از ۲۰ فوریه ۲۰۱۴ در «کریمه» (Crimea) و «آکراین شرقی» را اعلام کرد. در قضیه آکراین، نخستین وقایعی که تحت تحقیقات دفتر دادستانی قرار گرفت، اعتراضات مردمی در «میدان نِازِنُوستی» (Maidan Nezalezhnosti) شهر «کی یو» (Kyiv) در مخالفت با رییس جمهوری آکراین - ویکتور یانوکویچ (Viktor Yanukovich) - بود که از ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شده بود و با تصمیم دولت آکراین به عدم امضاء موافقتنامه جامع با اتحادیه اروپا، رییس جمهور و نمایندگان مخالفان او در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ بر روی معترضان و کشته و زخمی شدن برخی از آن‌ها شد. سرانجام با میانجیگری اتحادیه اروپا، رییس جمهور و نمایندگان مخالفان او در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ بر روی ایجاد یک دولت جدید و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به توافق رسیدند و در پی این توافق، پارلمان آکراین رأی به برکناری رییس جمهور داد. اعتراضات نسبت به دولت جدید آکراین در «سیمفروپول» (Simferopol) - مرکز جمهوری خودمختار کریمه - و مناطق شرقی کشور آکراین آغاز شد و مخالفان در کمتر از یک هفته، کنترل ساختمان‌های دولتی سیمفروپول از جمله ساختمان پارلمان کریمه را در دست گرفتند. اعلام دولت روسیه در خصوص مشارکت نیروهای نظامی آن در به دست گرفتن کنترل کریمه و الحاق کریمه و شهر «سواستوپول» (Sevastopol) به روسیه بر اساس رفراندوم ۱۸ مارس ۲۰۱۴ سبب شد تا دفتر دادستانی دیوان در بررسی مقدماتی خود در سال ۲۰۱۶ به این نتیجه برسد که وضعیت آکراین، در سرزمین کریمه و سواستوپول تبدیل به یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی میان آکراین و روسیه شده که لااقل از ۲۶ فوریه ۲۰۱۴ شروع شده است و حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه از پس از اعلام الحاق در ۱۸ مارس ۲۰۱۴ در آن اجراء می‌شود، البته به میزانی که این وضعیت در کریمه و سواستوپول در واقع یک تصرف سرزمینی قلمداد شود. همچنین، در پی رفراندوم‌های برگزار شده در ۱۱ مه ۲۰۱۴، نمایندگان خودخوانده «جمهوری خلق دونتسک» (Donetsk People's Republic (DPR)) و «جمهوری خلق لوهانسک» (Luhansk People's Republic (LPR)) در آکراین شرقی، اعلامیه‌های مبنی بر استقلال از آکراین صادر کردند و خواستار الحاق به روسیه شدند. در نتیجه این وقایع، درگیری‌هایی میان نیروهای مسلح غیردولتی و نیروهای نظامی دولت آکراین در گرفت که دادستان دیوان در بررسی مقدماتی خود در سال ۲۰۱۶ به این نتیجه رسید که در درگیری‌های میان نیروهای مسلح غیردولتی و نیروهای نظامی دولت آکراین، مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و در درگیری‌های میان دولت روسیه و دولت آکراین مخاصمه مسلحانه بین‌المللی در جریان است (Report on Preliminary Examination Activities 2018, paras. 59-73).

^{۷۸} Continuing Crimes.

^{۷۹} Enforced Disappearance.

پیامدهای ناشی از برخی تحریم ها از زمان بازا اعمال آن ها آغاز شده و همواره در حال ایجاد است، دیوان محدودیتی در بررسی آثار تحریم ها در زمان های پس از پایان صلاحیت خود نخواهد داشت.

پس از صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی از سوی دولت غیرطرف، دادستان دیوان به بررسی مقدماتی در مورد اطلاعات و ادله می پردازد. در این مرحله دیوان به انجام تحقیقات اقدام نمی کند.^{۸۰} دادستان پس از بررسی مقدماتی دوکار می تواند انجام دهد: از شعبه مقدماتی برای شروع تحقیقات اجازه بگیرد یا تصمیم به عدم انجام تحقیقات بگیرد. با توجه به این که هیچ مهلت زمانی برای انجام بررسی مقدماتی دادستان وجود ندارد، این فرآیند ممکن است سال ها به طول بینجامد. در قضیه افغانستان که از قضا علیه متهمان آمریکایی مطرح است، دادستان پس از ۱۲ سال بررسی مقدماتی به این نتیجه می رسد که دیوان باید برای رسیدگی به جرایم ادعایی در افغانستان اقدام کند و برای این منظور از شعبه مقدماتی درخواست می کند تا اجازه شروع تحقیقات را به آن بدهد. البته، این هرگز به این معنا نیست که دادستان در مقابله با قدرت های بزرگ و اتباع آن ها منفعلانه عمل می کند. پرداختن دادستان به موضوع جنایات جنگی نیروهای بریتانیا در عراق و جنایات جنگی رژیم اسرائیل در سرزمین فلسطین اشغالی تأییدکننده این امر است. به عنوان نکته پایانی در این بخش باید گفت که حضور مقامات آمریکایی در دیوان نیز می تواند بعنوان یکی از چالش های طرح دعوی ایران در دیوان مطرح باشد. چراکه دولت آمریکا در راستای اعتقاد خود مبنی بر عدم صلاحیت دیوان نسبت به دولت های غیر عضو، بیش از ۱۰۰ موافقتنامه دوجانبه به اصطلاح امنیتی با دولت های طرف اساسنامه دیوان منعقد نموده است که بر اساس آن ها، این دولت ها نمی توانند اتباع آمریکایی را به دیوان تسلیم کنند.^{۸۲}

^{۸۰} . بررسی مقدماتی دادستان فرآیندی است که دادستان کلیه اطلاعات موجود را مورد توجه قرار می دهد تا بطور کاملاً آگاهانه به یک جمع بندی برسد که آیا یک مبنای معقول برای شروع تحقیقات وجود دارد یا خیر (3) (15 art. Rome Statute of the International Criminal Court 1998).

^{۸۱} . شعبه مقدماتی دیوان در تصمیم ۱۲ آوریل ۲۰۱۹ خود در قضیه افغانستان به دادستان اجازه نمی دهد تا تحقیقات را در قضیه افغانستان آغاز کند و اعلام می کند که شروع تحقیقات در وضعیت افغانستان در این زمان به منافع عدالت کمکی نخواهد کرد.

(Situation in the Islamic Republic of Afghanistan, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorisation of an Investigation into the Situation in the Islamic Republic of Afghanistan (ICC No. ICC-02/17), Pre-Trial Chamber, 12 April 2019)

اما، شعبه تجدیدنظر در رأی ۵ مارچ ۲۰۲۰ ضمن رد نظر آن تصریح می کند هنگامی که طبق ماده ۱۵(۴) اساسنامه، دادستان به اختیار خود (*proprio motu*) بررسی مقدماتی را آغاز می کند و پس از رسیدن به وجود مبنای معقولی برای شروع تحقیقات از شعبه مقدماتی کسب اجازه می کند، شعبه نباید به وجود منافع عدالت در آن وضعیت پردازد و این امر منحصر به ارجاع وضعیت از سوی دولت عضو و ارجاع بوسیله شورای امنیت است. در واقع، شعبه مقدماتی در این جا تنها به این مسئله می پردازد که آیا یک مبنای عینی معقولی برای آغاز تحقیقات دادستان وجود دارد، به این معنا که آیا جرایمی ارتکاب یافته است و یا آیا پرونده هایی که احتمالاً از این تحقیقات ناشی می شوند، در چارچوب صلاحیتی دیوان قرار می گیرند. شعبه به این نتیجه می رسد که شعبه مقدماتی در استدلال خود اشتباه کرده است و دادستان می تواند تحقیقات خود را در خصوص جرایم ارتكابی در سرزمین افغانستان از یکم مه ۲۰۰۳ به بعد آغاز کند.

(Situation in the Islamic Republic of Afghanistan, Judgment on the appeal against the decision on the authorization of an investigation into the situation in the Islamic Republic of Afghanistan (ICC No. ICC-02/17 OA4), Appeal Chamber, 5 March 2020, paras. 33-46)

^{۸۲} . در اعمال صلاحیت دیوان بین المللی کیفری نسبت به اتباع دولت های غیرطرف، اصل نسبی بودن معاهدات و لزوم تفسیر مضیق مواد صلاحیتی اساسنامه در مقابل توسعه صلاحیت دیوان بر مبنای توجه به آرمان عدالت کیفری و ارزش های جامعه بین المللی قرار می گیرد (بیگ زاده و عبداللهی، پاورقی شماره ۵۴، صص ۱۳-۱۴).

نتیجه

با این که دولت های جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا طرف اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیستند، ایران می‌تواند با صدور اعلامیه ای بر اساس بند سوم ماده ۱۲ اساسنامه و پذیرش صلاحیت موردی دیوان، مقامات آمریکایی وضع‌کننده تحریم علیه ایران را در دیوان تحت تعقیب کیفری قرار دهد. استقرار صلاحیت دیوان نسبت به یک دولت، به دیوان این امکان را می‌دهد تا تمامی افراد در سرتاسر جهان را که متهم به ارتکاب جرم در سرزمین آن دولت هستند و تمامی افراد تبعه آن دولت را تحت تعقیب قرار دهد. ایران می‌تواند و باید در اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی دیوان، صلاحیت را محدود به زمان بازا اعمال تحریم ها _ هشتم مه ۲۰۱۸_ کند تا مانع اعمال صلاحیت دیوان نسبت به اقدامات اتباع و مقامات ایرانی قبل از این تاریخ شود. اما، این خطر بطور جدی وجود دارد که اقدامات اتباع و مقامات ایرانی پس از این تاریخ می‌تواند مورد توجه دیوان قرار بگیرد. در خصوص تعقیب مقامات آمریکایی، نقش دادستان دیوان قابل توجه است. با توجه به رویکرد انقلابی او در بررسی موضوعاتی از جمله اقدامات نیروهای بریتانیایی در عراق و اقدامات اتباع رژیم اسراییل در سرزمین های اشغالی بنظر می‌رسد که دادستان پس از پذیرش صلاحیت موردی دیوان از سوی ایران، بررسی مقدماتی خود را آغاز می‌کند و به احتمال زیاد موضوع مسئولیت کیفری مقامات آمریکایی را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، سماجت دادستان در مراجعه به شعبه تجدیدنظر دیوان پس از این که شعبه مقدماتی اجازه شروع تحقیقات در وضعیت افغانستان را به او نداد، در این رابطه قابل ذکر است. کما این که وضعیت افغانستان این ظرفیت را دارد تا اقدامات متهمان آمریکایی را روی میز دیوان آورد.

بنابراین، توسل به دیوان بین‌المللی کیفری به منظور تعقیب کیفری مقامات آمریکایی وضع‌کننده تحریم علیه ایران امکان پذیر است. همچنین، مراجعه اخیر دولت ونزوئلا به دیوان با ادعای مشابه ادعای احتمالی ایران در موضوع تحریم ها می‌تواند به تقویت استدلال های ایران در حضور احتمالی آن نزد دیوان کمک کند. بهر حال، بررسی اقدامات مقامات آمریکایی در دیوان می‌تواند با چالش عدم حضور متهمان در محضر دیوان یا عدم اجراء تصمیمات احتمالی دیوان از سوی دولت آمریکا مواجه شود. اما، صرف شناسایی آثار تحریم های ظالمانه آمریکا به عنوان جنایت علیه بشریت از سوی دیوان می‌تواند ماهیت واقعی تحریم ها را نزد افکار عمومی جهان آشکار سازد و با معرفی واضعان آن ها به عنوان جنایتکاران بین‌المللی، آن ها را به عنوان دشمنان بشریت به دنیا بشناساند. با توجه به ویژگی خاص تحریم های آمریکا _بعنوان تحریم های ثانویه_ که برای سایر دولت ها و اتباع آن ها که مطابق با تحریم ها اقدام نکنند، محدودیت هایی را ایجاد می‌کنند، مهر تأیید دیوان بر ارتکاب جنایت علیه بشریت بواسطه تحریم ها، علاوه بر این که مانع همراهی عملی سایر دولت ها با این تحریم ها می‌شود، بلحاظ حقوقی نیز محدودیت هایی را برای این همراهی ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، اقداماتی که جنایت علیه بشریت قلمداد می‌شوند، بدون تردید نقض های جدی تعهدات ناشی از قواعد امره حقوق بین‌الملل هستند و دولت ها مکلفند تا علاوه بر عدم شناسایی وضعیت ایجادشده در نتیجه

این نقض و عدم کمک به حفظ این وضعیت، از طریق ابزارها و طرق قانونی برای پایان بخشیدن به این وضعیت با یکدیگر همکاری کنند (ماده ۴۱ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها (۲۰۰۱)).

منابع

الف) منابع فارسی

مقاله ها

۱. آل کجباف، حسین و انصاریان، مجتبی. «تأثیر تحریم های یکجانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی»، مجله حقوق پزشکی، ۱۳۹۳، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۵۰-۱۱.
۲. باغبان، اسماعیل و پورقهرمانی، بابک. «تحریم ها علیه ایران به مثابه ی جنایت علیه بشریت»، مجله پژوهش های انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، شماره ۱۷، صص ۵۰-۳۵.
۳. بیگ زاده، ابراهیم و عبداللهی، سیدمحمدعلی. «موازنه آرمان عدالت کیفری و موازین حقوقی: اعمال صلاحیت دیوان بین المللی کیفری نسبت به اتباع دولت های غیرعضو»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۷، شماره ۸۴، صص ۴۱-۱۱.
۴. رضانی قوام آبادی، محمدحسین. «از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان کیفری بین المللی»، فصلنامه دولت پژوهی، ۱۳۹۵، سال ۲، شماره ۷، صص ۳۹-۱.
۵. زمانی، سیدقاسم و شیران خراسانی، رضا. «تمایز بین نابودسازی به عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت با نسل کشی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۸۰، صص ۱۵۶-۱۳۵.
۶. طهماسبی، جواد. «قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین المللی کیفری»، مجله حقوقی بین المللی، ۱۳۸۶، شماره ۳۷، صص ۴۵-۱۱.
۷. محبی، محسن و بذآر، وحید. «ارزیابی ایرادهای آمریکا در مورد دستور موقت در قضیه نقض های ادعایی عهدنامه مودت»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۹، دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۲۷۴-۲۵۵.
۸. میرمحمدصادقی، حسین و رحمتی، علی. «ارتباط و همزیستی دادگاه های مختلط (بین المللی شده) با دیوان کیفری بین المللی و محاکم ملی»، مجله آموزه های حقوق کیفری، ۱۳۹۷، شماره ۱۵، صص ۳۰-۳.
۹. نژندی منش، هیبت الله و بذآر، وحید. «امکان سنجی اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به استفاده از سلاح هسته ای»، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، ۱۳۹۷، دوره ۹، شماره ۳۶، صص ۱۶۴-۱۴۳.
۱۰. نژندی منش، هیبت الله و بذآر، وحید. «تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین المللی کیفری و جنایت تجاوز»، مجله آموزه های حقوق کیفری، ۱۳۹۶، شماره ۱۴، صص ۲۲۴-۲۰۱.

ب) منابع غیر فارسی

Books

11. Klamberg, Mark, *Commentary on the Law of the International Criminal Court*, Torkel Opsahl Academic E-Publisher, 2017.
12. Cryer, Robert and Friman, Hakan and Robinson, Darryl, and Wilmshurst, Elizabeth. *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press, 2007.

Articles

13. Bourgon, Stephane. "The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary," edited by Antonio Cassese and Paola Gaeta and John R.W.D. Jones, Oxford University Press, 2002.
14. Chesterman, Simon, "An Altogether Different Order: Defining the Elements of Crimes against Humanity," *Duke Journal of Comparative and International Law*, Vol.10, No. 307, 2000.
15. Clark, Roger S. "Article 125," *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* – edited by Otto Triffterer, Morten Bergsmo, and Kai Ambos, C.H.Beck.Hart.Nomos, 2016.
16. Cottier, Michael and Mzee, Sabine. "Article 8," *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* – edited by Otto Triffterer, Morten Bergsmo, and Kai Ambos, C.H.Beck.Hart.Nomos, 2016.
17. DeGuzman, Margaret M. "Crimes against Humanity," *Routledge Handbook of International Criminal Law* – edited by William A. Schabas and Nadia Bernaz, Routledge, 2011, PP. 121-138.
18. ElDeeb, Hossam. "The Ratification and Implementation of the Rome Statute of the International Criminal Court by the Arab States: Prospects and Challenges," Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, Brunel Law School, 2015.
19. Napoletano, Nicola. "Non-State Entity's 'Ability to Lodge' a Declaration pursuant to Article 12(3) of the ICC Statute," *Questions of International Law*, Vol. 20, 2015, pp. 17-37.
20. Powderly, Joseph. "The Trials of Eichmann, Barbie and Finta," *Routledge Handbook of International Criminal Law* – edited by William A. Schabas and Nadia Bernaz, Routledge, 2011, PP. 33-50.
21. Robinson, Darryl. "Crimes against Humanity: A Better Policy on 'Policy'," *The Law and Practice of the International Criminal Court* – edited by Carsten Stahn, Oxford University Press, 2015, PP. 705-731.
22. Rastan, Rod. "The Relationship to Domestic Jurisdiction: Jurisdiction," *The Law and Practice of the International Criminal Court* – edited by Carsten Stahn, Oxford University Press, 2015, PP. 141-178.
23. Tawa, Netton Prince and Engelsdorfer, Alexandra. "Acceptance of the International Criminal Court in Côte d'Ivoire: Between the Hope for Justice and the Concern of 'Victor's Justice'," *After Nuremberg: Exploring Multiple Dimensions of the Acceptance of International Criminal Justice* – edited by Susanne Buckley-Zistel, Friederike Mieth and Marjana Papa, 2017, PP. 1-12.

24. Wills, Alexander. “*Old Crimes, New States and the Temporal Jurisdiction of the International Criminal Court*,” *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 12, Issue. 3, 2014, pp. 407-435.
25. Wirth, Steffen. “*Committing Liability in International Criminal Law*,” *The Emerging Practice of the International Criminal Court* – edited by Carsten Stahn and Goran Sluiter, Martinus Nijhoff Publishers, 2009, PP. 329-338.
26. Zimmerman, Dominik. “*Preconditions to the Exercise of Jurisdiction: Article 12 (3)*,” *Commentary on the Law of the International Criminal Court* – edited by Mark Klamberg, Torkel Opsahl Academic EPublisher, 2017, PP. 169-174.

Documents:

- Guiding Principles Applicable to Unilateral Declarations of States 2006
- Human Rights Council, Human Rights and Unilateral Coercive Measures, Twenty-Seventh Session, Agenda Item 3, 3 October 2014.
- Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on the Negative Impact of Unilateral Coercive Measures on the Enjoyment of Human Rights, A/72/370, 29 August 2017.
- Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on the Negative Impact of Unilateral Coercive Measures on the Enjoyment of Human Rights, Agenda item 3, 10–28 September 2018.
- Rules of Procedure and Evidence of International Criminal Court.
- Rome Statute of the International Criminal Court 1998.

Cases:

- Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018.
- Decision on the Corrigendum of the challenge to the jurisdiction of the International Criminal Court on the basis of articles 12(3), 19(2), 21(3), 55 and 59 of the Rome Statute filed by the Defence for President Gbagbo (ICC-02/11-01/11-129), Pre-Trial Chamber, 15 August 2012.
- Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, 2 September 1998.
- Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Trial Judgment of 7 May 1997.
- Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-A, Appeals Chamber of 15 July 1999.
- Prosecutor v. Emmanuel Nindabahizi, Case No. ICTR-01-71-A, Appeal Judgment of 16 January 2007.
- Prosecutor v. Nahimana, Case No. ICTR-99-52-T, Judgment, 3 December 2003.
- Prosecutor v. Kvočka Case No. IT-98-30/1-T, Judgement, 2 November 2001.
- Prosecutor v. Blaskic (IT-95-14-T), Judgment, 3 March 2000.
- Prosecutor v. Dario Kordić & Mario Cerkez, Case No. IT-95-14/2, ICTY, Appeals Chamber, 2004.
- Prosecutor v. Tihomir Blaskic Case No. IT-95-14, ICTY, Appeals Chamber, 2004.

- Prosecutor v. Dragoljub Kunarac, Case No. IT-96-23 & 23/1, ICTY, Appeals Chamber, 2002.
- Prosecutor v. Broanin, Case No. IT-99-36-T, Judgment, Trial Judgment, 1 September 2004.
- Prosecutor v. Brima et al., SCSL-04-16-T, Judgment, TC, 20 July 2007, paras. 703-713; SCSL-04-16-A, Judgment, AC, 22 February 2008.
- Referral pursuant to Article 14 of the Rome Statute to the prosecutor of International Criminal Court by the Bolivarian Republic of Venezuela with respect to Unilateral Coercive Measures 2020.
- Situation in the Islamic Republic of Afghanistan, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorisation of an Investigation into the Situation in the Islamic Republic of Afghanistan (ICC No. ICC-02/17)